

منهای فوتبال

لژیونر ها با هم نیامند

تیم ملی هندبال در حالی که هنوز تکلیف سرمربی اش مشخص نیست و علیرضا حبیبی را به عنوان مربی همراه خود در راه صبح روز گذشته دور جدید تمریناتش در راه رقابت های انتخابی المپیک ۲۰۲۰ توکیو را در محل تالار هندبال آغاز کرد. این اردو در حالی آغاز شد که کادر فنی ۴۰ هندیالیست را دعوت کرده بود و طبق اعلام قبلی، قرار بود لژیونرها از این مرحله از اردو همراه تیم باشند ولی از جمع زیاد هندیالیست هایی که در خارج از کشور به میزبان می روند، تنها سه نفر در اردو حاضر شدند. همچنین ۹ ملی پوش هم به دلیل امتحانات دانشگاه غایب بودند. دور مقدماتی رقابت های انتخابی المپیک مهر به میزبانی قطر برگزار خواهد شد و تیم ملی کشورمان با تیم های بحرین، کره جنوبی و کویت همگروه است. این دوره تمرینات تا روز ۲۸ خرداد ادامه خواهد داشت و باید دید سرانجام لژیونرها اردو آفتابی می شوند یا خیر. بسیاری از آنها با پایان فصل هندبال اروپا به کشور بازگشته اند و مشغول استراحتند. تیم ملی در بازی های آسیایی نیز از نبود برخی از لژیونرها آسیب دید.

مهمانی کاپ جام جهانی بسکتبال در تهران

بر اساس برنامه ریزی های صورت گرفته از سوی فیدبا برای اولین بار قرار است کاپ مسابقات جام جهانی چین ۲۰۱۹ تا قبل از برگزاری این رقابت ها، ۲۴ ساعت مهمان چند کشور راه یافته به این آوردگاه بزرگ باشد. ایران هم یکی از میزبانان این کاپ ارزشمند خواهد بود. ۲۰ تیر زمانی است که برای حضور این مهمان بسکتبالی در ایران تعیین شده است. اهالی بسکتبال نیز برای هر چه بهتر برگزار کردن مراسم استقبال و میزبانی از کاپ جام جهانی برنامه های ویژه ای تدارک دیده اند. حضور ملی پوشان بسکتبال و دعوت از مسئولان ورزش کشور، برگزاری مسابقات مینی بسکتبال در ده نونهالان، حضور در آکادمی های بسکتبال و نمایش کلیپ هایی بسکتبالی که بر اساس شعارهای فیداساخته شده، از جمله برنامه های استقبال از کاپ جام جهانی در تهران است. همچنین یکی از مهم ترین برنامه ها حضور مسئولان فدراسیون جهانی بسکتبال به همراه کاپ جام جهانی در موزه المپیک ایران است که در این فرصت ۲۴ ساعته انجام خواهد شد. جام جهانی بسکتبال چین ۲۰۱۹ به سرپرست برگزار می شود. ایران با اسپانیا، پورتو ریکو و تونس همگروه است.

درباره نگاه های اغراق آمیز به تیم مارک ویلموتس

شوخی به جای تحسین!

قضاوت عملکرد یک مربی و پیش بینی آینده یک تیم پس از تماشای تنها یک مسابقه، مد تازه فوتبال ایران است. پس از برتری پرگل ایران مقابل روسیه، بسیاری از اهالی فوتبال ناگهان به این نتیجه رسیده اند که تیم ملی با نقشه های «هجومی» مرد بلژیکی به موفقیت خواهد رسید. این تنها یک مسابقه تدارکاتی ساده بوده و ویلموتس راه دشواری را در پیش خواهد داشت. بر خلاف تحلیل های سرشار از اغراق، تیم ملی هنوز «برزیل» را شکست نداده و همچنان باید برای رسیدن به اهداف بزرگش در آینده، به سختی تلاش کند و با چالش های بزرگی روبه رو شود. تحسین این تیم با کلیدواژه «فوتبال هجومی» فعلا بیشتر از واقعیت های فوتبال، به یک شوخی بزرگ شباهت دارد.



آرژان هرنورد

این جدال حرف می زند. البته که تیم ملی مقابل سوریه، جذاب و هجومی فوتبال بازی کرد اما آیا قرار بود این تیم با ستاره هایش در ورزشگاه آزادی روبه روی حریفی مثل سوریه، دفاع کند؟ فلسفه هجومی مارک ویلموتس، از مدت ها قبل مورد توجه گروهی از رسانه های وطنی قرار داشته است. البته که این مربی در بلژیک با داشتن سوپر استارهایی مثل ادن هازارد و کوین دی بروینه، چاره ای جز ارائه

نمایش های رو به جلو نداشت اما خود او همواره به تعاریف کلاسیک فوتبال و اهمیت گل نخوردن معتقد بوده است. پس این احتمال وجود دارد که تیم ملی زیر نظر ویلموتس، درست مثل دوران کی روش همچنان یک تیم دفاعی باشد. اولین پیروزی سرمربی جدید تیم ملی، مقابل حریفی به دست آمد که تیمی از نفرات اصلی اش را در سفر به تهران همراه نداشت. حریفی که البته همیشه سرسخت نشان داده و با

نمایش های رو به جلو نداشت اما خود او همواره به تعاریف کلاسیک فوتبال و اهمیت گل نخوردن معتقد بوده است. پس این احتمال وجود دارد که تیم ملی زیر نظر ویلموتس، درست مثل دوران کی روش همچنان یک تیم دفاعی باشد. اولین پیروزی سرمربی جدید تیم ملی، مقابل حریفی به دست آمد که تیمی از نفرات اصلی اش را در سفر به تهران همراه نداشت. حریفی که البته همیشه سرسخت نشان داده و با

سوی فدراسیون فوتبال نبوده است. کره ای ها در دوران کی روش هرگز موفق به شکست تیم ملی نشدند و پس از هشت سال ناکامی در جدال با ایران، حالا فرصت مناسبی دارند که به این روند پایان بدهند. اگر مبنای قضاوت تنها یک بازی و یک نتیجه باشد، شاید همه نگاهها در مورد هجومی بودن تیم ویلموتس در پایان مسابقه دوم تغییر کنند.

تیم ملی برای چندین سال، زیر نظر یک تئوریسین درجه یک دفاعی بود. در مسائل حرفه ای و اخلاقی فوتبال، نقدهای بسیار زیادی به کی روش وارد بود اما هیچ کس تردید نداشت که او یکی از منسجم ترین تیمها را برای فوتبال ایران می سازد. کی روش در دوران همکاری با سر الکس فرگوسن در منچستر یونایتد نیز مسئولیت داشت تا به عملکرد خط دفاعی این تیم بهبود ببخشد و تاکتیک های دفاعی را در باشگاه پیاده کند. علاوه بر تحول دفاعی تیم ملی زیر نظر مرد پر تالی، او جوی را در تیم به وجود آورد که همه بازیکنان ترغیب شدند با همه وجود بر سر هر توپ مبارزه کنند و با تمام توان برای کشورشان بجنگند. حالا شاید کسی به یاد نیاورد که همین تیم در اولین ماه های حضور کارلوس روی نیمکت، در فاصله ۶ روزه در دو بازی با فلسطین و بحرین ۱۳ گل به ثمر رساند.

زدن این تعداد گل به معنای فلسفه «هجومی» نبود. چرا که در بازی های بزرگ، کی روش همواره تیمش را با هاله ای از احتیاط و دقت به زمین می فرستاد. تیم کی روش در بسیاری از بازی ها «سرگرم کننده» نبود و شاید به همین خاطر است که همه هواداران تیم ملی به دنبال فوتبال هجومی هستند. با این وجود رسیدن به سطح تیمی که این مربی پس از هشت سال در فوتبال ایران ساخته بود تا حتی مقابل تیم های

انتخاب کره به عنوان دومین حریف تدارکاتی، تصمیم خوبی از سوی فدراسیون فوتبال نبوده است. کره ای ها در دوران کی روش هرگز موفق به شکست تیم ملی نشدند و پس از هشت سال ناکامی در جدال با ایران، حالا فرصت مناسبی دارند که به این روند پایان بدهند.

بزرگ دنیای فوتبال نیز به سادگی تسلیم نشود، هرگز کار ساده ای نیست. حتی اگر تحلیل های شتاب زده در مورد هجومی بازی کردن تیم ویلموتس درست باشد، این فقط یک «شیوه» بازی است و به خودی خود، «ارزش» محسوب نمی شود. اگر قرار باشد تیم ملی تهاجمی فوتبال بازی کند و در همه دیدارهای بزرگ با نتایج یک طرفه شکست بخورد، بهتر است که به سراغ فوتبال دفاعی برود و آبرومندانه تر از تورنمنت ها حذف شود.

دفاع و حمله، فقط وقتی ارزشمند هستند که نتیجه به دنبال داشته باشند. در واقع تیم ملی وقتی موفق خواهد شد که کاری که بهتر از همه بلد است را به بهترین شکل ممکن انجام دهد. پس از بردن سوریه در دیدار دوستانه، نگاهها آنگقدر مثبت شده که خیلی ها صودعه جام جهانی و قهرمانی آسیا را از همین حالا قطعی می دانند. جنب و جوش ویلموتس در کنار زمین اما پیام روشنی دارد. این مربی هنوز حتی اولین فهرست خودش را به تیم ملی دعوت نکرده و برای رسیدن به شناخت دقیق از فوتبال ایران و پیاده کردن نمایش مدنظرش در زمین، راه درازی در پیش دارد.

اتفاق روز

چرا سر مربیگری تیم ملی امید برای هیچ کس جذاب نیست؟

تیمی برای ناامیدی!

آرژانین

داستان نیمکت تیم ملی امید، به یک کلاف سردرگم در فوتبال ایران تبدیل شده است. فدراسیون فوتبال مدتی قبل به همکاری اش با ژانکو کراچچار پایان داد. حضور این مربی پر تجربه کروات، می توانست تیم امید را متحول کند اما نتایج او و تیمش در دور اول مقدماتی المپیک، ایدامیدوار کننده نبودند. این تیم با وجود میزبانی از هر سه حریفش در ورزشگاه آزادی، پشت سر عراق در رده دوم گروه قرار گرفت و فاصله ای با از دست دادن دیدارهای مقدماتی نداشت. علاوه بر این، شرایط اقتصادی نیز موجب شد فدراسیون در شرایط فعلی قید به کارگیری یک مربی خارجی در این پست را بزند. جست و جو برای انتخاب جانشین کراچچی، از همان روزها شروع شد اما ظاهرا «نه گفتن» به این فرصت شغلی، یک عادت مشترک در میان

چهره به چهره

رنال مادرید همچنان به خریدهای تازه ای در بازار تابستانی نیاز دارد

ادامه بده آقای رئیس!

پس از سپری کردن چند فصل نسبتا کم هزینه، حالا رنال مادرید با توپ پر به بازار نقل و انتقالات تابستانی قدم گذاشته است. آنها در میلیاتوراو برای دفاعی از باشگاه پور تو به خدمت گرفتند، سپس به سراغ یکی از گزینه های بارسا یعنی لوکا یوویچ رفتند و با این ستاره آماده فرانتفورت قرار داد امضا کردند و نهایتا اتفاقی که همه هواداران باشگاه منتظرش بودند را رقم زدند و پیراهن سفید را به ادن هازارد پوشاندند. فلورنتینو پرز که برای مدت ها ستاره خریدهای بیش از حد گرانبمشتی شناخته می شود، حالا برای جذب هازارد و یوویچ مجموعا ۱۶۰

شد و امیدها در بازی های آسیایی ۲۰۱۰ با وجود در اختیار داشتن سه مهره بزرگسال، با غلامحسین پیروانی شانسان بردن مدال را از دست دادند. حتی جوانگرایی روی نیمکت و انتخاب نفراتی مثل هومن افاضلی و علیرضا منصوریان نیز نتیجه بخشی نبود. علیمصور در این تیم، قربانی یک اشتباه تاریخی شد و پیروزی اش مقابل تیم ملی عراق را با شکست انضباطی سه بر صفر عوض کرد. وینگاد، خاکپور و امیرحسین پیروانی، انتخاب های غلط دیگری بودند که شرایط را برای تیم ملی امید عوض نکردند. این تیم به جای شوکاف کردن استعداد مربیان مختلف، آنها را به لبه پر نگاه کشانده است. صعود به تنهایی برای خوشبخت شدن فوتبال هیچ کشوری کافی نیست اما به یک نسل

از مهره های آن کشور، فرصت دیده شدن می دهد. فرصتی که در نسل های متوالی از ایران گرفته شده است. همه مربیانی که به پیشنهاد فدراسیون پاسخ منفی می دهند، به خوبی می دانند که کار کردن در تیم امید تا چه اندازه طاقت فرسا خواهد بود. آنها از یک طرف باید با مشکلات اردوهای تدارکاتی دست و پنجه نرم کنند و از طرف دیگر دانماد حال درگیری با باشگاهها بر سر در اختیار گرفتن نفرات تیمشان باشند. این کار بیش از حد از یک مربی انرژی می گیرد و تمرکز او را برای رسیدن به موفقیت کاملا از بین می برد. پس عجیب نیست که حتی متوسط ترین مربیان فوتبال ایران، تمایلی به کار کردن در رده امید ندارند. آنها ترجیح می دهند در باشگاه های مختلف مشغول به کار شوند. چرا که این «سکوی پرتاب» بیشتر شبیه یک «تونل وحشت» است!



می تواند برگ برنده ای برای رنال باشد. در واقع رنال زیر و هنوز به معنای واقعی کلمه در فصل جدید کپکشاننی نشده است. پروژه کپکشاننی های شماره یک فلورنتینو پرز با جذب مهره های بزرگی مثل لوتیس فیگو، زیدان، بکام و رونالدو ساخته شد و پروژه کپکشاننی های دو، با کاکا، بنزما، کریس رونالدو، ژابی آلونسو، کروس، مودریچ و ای ماریا رقم خورد. حالا رنالی هادر انتظار سومین تیم کپکشاننی هستند و خریدها از دبه تنهایی نمی تواند برای ساخت یک کپکشان کافی باشد. پرز برای بازگشت به گذشته طلایی اش، باید یک بمب بزرگتر از این منفجر کند. خط حمله رنال با هازارد و یوویچ جذاب به نظر می رسد اما شاید نیاز به آوردن ضلع سومی برای این خط نیز احساس شود. رنال همین حالانیز تر کیب فوق العاده ای در اختیار دارد اما هنوز پرستارترین باشگاه حال حاضر اروپا نیست و می تواند در بازار، دست به کارهای بزرگتری نیز بزند.

رنالی هادر تابستان گرت بیل را به فروش می رسانند و علاقه ای نیز به بازگرداندن خامس رودریگز به تیمشان ندارند. با این روند به نظر می رسد باشگاه برای ساخت سری سوم «کپکشاننی ها» به خرید چند مهره دیگر نیز نیاز داشته باشد. بالا رفتن میانگین سنی در خط دفاعی و خط فایفیک، یک نگرانی برای آینده رنال مادرید است. نفراتی مثل راموس، مارسلو، کروس و مودریچ، رفته رفته به خط پایان نزدیک می شوند و باشگاه باید به دنبال جذب جانشین برای آنها باشد. سفیدها به جذب کریمستین آریکسن از تاتنهام نیز نزدیک هستند اما پرز برای ساخت یک تیم خارق العاده، باید یک بازیکن گرانبه تر نیز به خدمت بگیرد. شاید کیلیان امپابه، تنها گمشده این روزهای باشگاه مادریدی باشد. ستاره ای که می تواند سطح رنال را بالاتر ببرد و به ترکیب این تیم، قدرت به مراتب بیشتری ببخشد. خرید بازیکنی در حد و اندازه های ماتئاس دلیخت برای خط دفاعی نیز